

Eugène Aubin, *La Perse d'aujourd'hui: Iran, Mésopotamie*, Paris 1908; C. A. De Bode, *Travels in Luristan and Arabistan*, London 1845; Cecil John Edmonds, *Kurds, Turks and Arabs: politics, travel and research in north-eastern Iraq 1919-1925*, London 1957; Engelbert Kaempfer, *Am Hofe des persischen Grosskönigs (1684-85)*, ed. and tr. Walther Hinz, Leipzig 1940; A. H. Layard, "A description of the province of Khūzistān", *The Journal of the Royal Geographical Society of London*, vol.16 (1846); Laurence Lockhart, *The fall of the Safavi dynasty and the Afghan occupation of Persia*, Cambridge 1958; G. S. F. Napier, "The road from Baghdad to Baku", *The Geographical journal*, vol.53, no.1 (Jan. 1919); John R. Perry, *Karim Khan Zand: a history of Iran, 1747-1779*, Chicago 1979; John Montagu Sandwich, *A voyage performed by the late Earl of Sandwich round the Mediterranean in the years 1738 and 1739*, London 1799; Sanson, *Estat présent du royaume de Perse*, Paris 1694; Vardan Voskanian, "Tsiganské element v Kurdsikh plemenakh: Nekotorye voprosy etnogeneza Kurdiv" (in Cyrillic), *Iran and Caucasus*, vol.1 (1997); Nicolaas Witsen, *Noord en oost Tartaryen*, Amsterdam 1785.

۱/ مرتضی دانشیار /

زَنگولداق (زونگولداق)^۱، نام شهر و استانی در ساحل دریای سیاه در شمال کشور ترکیه. دربارهٔ وجه تسمیه یا ریشه نام زونگولداق، که برخلاف برخی ادعاها یا فرضیه‌ها (س. د.د.ترک، ج ۴۴، ص ۵۰۱؛ سایگین^۲، ص ۱) کلمه‌ای ترکی نیست و در ترکی، هیچ معنایی ندارد (س. اومار^۳، ص ۸۲۹)، فرضیه‌هایی مطرح شده‌است: از جمله اینکه، در دوره باستان، روستایی به نام ساندراکا/ ساندراکه^۴ (واژه‌ای یونانی) در محل زنگولداق وجود داشته‌است که نام آن از رود سادرا^۵ (رود زنگولداق) گرفته شده بود. گویا به مرور، نام ساندراکا به زنگولداق تغییر کرده‌است (س. د.د.ترک؛ سایگین، همانجاها). البته به گفتهٔ اومار (همانجا)، واژه زنگولداق احتمالاً ریشه ارمنی دارد و به معنای پنهان در زمین است که به پنهان بودن معادن زغال سنگ در زمینهای آنجا اشاره می‌کند.

درواقع زندگی اجتماعی در زنگولداق در نیمه دوم قرن سیزدهم/نوزدهم، در پی مهاجرت و اسکان کارگران معدن به این

مهاجرت آن به شرق خراسان، فصلنامهٔ عشایری ذخائر انقلاّب، ش ۱۴ (بهار ۱۳۷۰)؛ محمدعلی سلطان، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج ۲، تهران ۱۳۷۲ ش؛ شکرالله بن عبدالله سندجی، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، چاپ حسنت‌الله طیبی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ ولی‌قلی بن داودقلی شاملو، قصص الخاقانی، چاپ حسن سادات ناصری، تهران ۱۳۷۱-۱۳۷۴ ش؛ شاه‌حسین بن غیاث‌الدین محمد، احیاء الملوک، چاپ منوچهر ستوده، تهران ۱۳۸۳ ش؛ عباس عزادی، موسوعة عشائر العراق: القديمة - البدوية المعاصرة، بیروت ۱۴۲۵/۲۰۰۵؛ ابوالحسن غفاری کاشانی، گلشن مراد، چاپ غلامرضا طباطبائی مجد، تهران ۱۳۶۹ ش؛ ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، دفتر ۴۲، چاپ جلال خالقی مطلق، تهران ۱۳۸۸ ش؛ فرهنگ جغرافیایی شهرستانهای کشور: شهرستان کرمانشاه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱ ش؛ حسن بن حسن فسائی، فارسنامه ناصری، چاپ منصور رستگار فسائی، تهران ۱۳۶۷ ش؛ علیرضا کریمی، پژوهشی دربارهٔ وزارت شیخ علی خان زنگنه وزیر اعظم شاه سلیمان صفوی: بزرگترین وزیر اعظم عصر صفوی، تبریز ۱۳۷۹ ش؛ اردشیر کشاورز، رجال و مشاهیر کرمانشاهان، کرمانشاه ۱۳۸۲ ش؛ ابوالحسن بن محمدامین گلستانه، مجمل التواریخ، چاپ مدرس رضوی، تهران ۱۳۵۶ ش؛ محمدمصوم، خلاصة السیر: تاریخ روزگار شاه صفی صفوی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ محمد مردوخ، تاریخ مردوخ: تاریخ کرد و کردستان، سندج [؟ ۱۳۵۱ ش]؛ محمدکاظم مروی، عالم آرای نادری، چاپ محمدامین ریاحی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ عبدالله سنوفی، شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران ۱۳۷۷ ش؛ محمدحسین مستوفی، آمار مالی و نظامی ایران در ۱۱۲۸، یا، تفصیل عساکر فیروزی مآثر شاه سلطان حسین صفوی، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، در فرهنگ ایران زمین، ج ۲۰ (۱۳۵۲ ش)؛ امین‌الدین نظری، منتخب التواریخ معینی، چاپ پروین اسنخری، تهران ۱۳۸۲ ش؛ جلال‌الدین محمد منجم‌پزوی، تاریخ عباسی، یا، روزنامه ملاجلال، چاپ سیف‌الله وحیدنیا، تهران ۱۳۶۶ ش؛ احمدبن حسین منشی‌فمی، خلاصة التواریخ، چاپ احسان اشراقی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ عبدالغفار بن علی محمد نسیم‌الدوله، سفرنامه خوزستان، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۴۱ ش؛ علی‌تقی نصیری، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، چاپ یوسف رحیم‌لو، مشهد ۱۳۷۲ ش؛ محمدابراهیم بن زین‌العابدین نصیری، دستور شهریاران: سالهای ۱۱۰۵-۱۱۱۱ ه.ق. پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی، چاپ محمدنادر نصیری‌مقدم، تهران ۱۳۷۲ ش؛ محمدیوسف واله اصفهانی، خلد برین: حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم)، چاپ محمدرضا نصیری، تهران ۱۳۸۰ ش؛ محمدطاهر بن حسین وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، چاپ سعید میرمحمدصادق، تهران ۱۳۸۲ ش؛ رضاقلی بن محمدحادی هدایت، ملحقات تاریخ روضه‌الصفیای ناصری، در میرخواند، ج ۸-۱۰؛

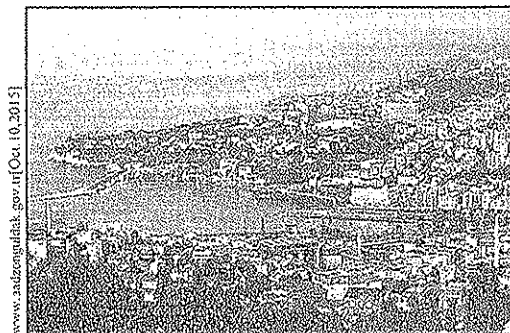
1. Zonguldak

2. Saygin

3. Umar

4. Sandraka/Sandrake

5. Sadra



چشم اندازی از شهر زنگولداق

ناحیه شکل گرفت (سے کوئارت، ص ۳۳-۳۴؛ کارا، ص ۲۴۰). تا پیش از قرن چهاردهم / بیستم، زنگولداق روستای کوچکی بود که به وجود زغال سنگ در آن اشاره شده است (سابگین، ص ۸) و در واقع، اکتشاف و استخراج زغال سنگ موجب توسعه و تبدیل آن روستا به شهر شد (سے کوئارت، ص ۳۳). به سبب همین ماده معدنی مهم، توجه اروپاییها به زنگولداق جلب شد و انگلیسیها به علت ناتوانی عثمانیها در اداره معادن این منطقه موفق شدند در ۱۸۴۹ / ۱۲۶۵ معادن زنگولداق را از عبدالحمید اول (۱۲۵۵-۱۲۷۷) بچاره کنند. آنها برای افزایش استخراج زغال سنگ به استخدام کارگران معدن از مناطق مونتنگرو و کرواسی مبادرت کردند. اما به سبب بهره گیری از ابزارهای ابتدایی، استخراج زغال سنگ به میزان مورد انتظار دولت عثمانی نرسید و با نارضایتی عثمانیها، قرارداد میان طرفین ابطال گردید. با وقوع جنگ کریمه (۱۲۶۹-۱۲۷۲ / ۱۸۵۳-۱۸۵۶) و نیاز ناوگان دریایی متحدین اروپایی عثمانی (انگلستان و فرانسه) به زغال سنگ، بار دیگر معادن زنگولداق به انگلیسیها واگذار شد، اما با پایان جنگ، اداره و مالکیت معادن این ناحیه به خزانه خاصه دولت عثمانی سپرده شد. در سالهای بعدی و با اهتمام دولت عثمانی به صادرات زغال سنگ از زنگولداق، فرانسویها نیز به آنجا آمدند و در ۱۳۱۲ / ۱۸۹۴، امتیاز ساخت بندر زنگولداق به آنها واگذار گردید (ساری کویونجو، ص ۳، ۱۹۹۳، ص ۳۱۷، ۳۲۱).

با تأسیس کنسولگری فرانسه در ۱۳۱۷ / ۱۸۹۹ در زنگولداق، بحث تغییر تقسیمات اداری آنجا مطرح شد. از این رو، با ایجاد «قضا» یا شهرستان زنگولداق به مرکزیت زنگولداق

موافقت شد و از آن زمان به بعد این شهر روندی رو به رشد یافت (د.د.ترک، همانجا). در آن دوره، در شهرستان زنگولداق، چهارده مکتب ابتدایی و سه مدرسه دینی فعال بودند (کونراپا، ص ۶۳۸).

وقوع جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۷ / ۱۹۱۴-۱۹۱۸)، پیامدهای ناگواری برای زنگولداق داشت و ناوگان دریایی روسیه معادن آنجا را بمباران کرد. از ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۸ / ۱۹۱۹-۱۹۲۰، زنگولداق در اشغال فرانسویها بود (ساری کویونجو، ۱۹۹۰، ص ۴۰، ۵۰، ۱۵۰؛ د.د.ترک، همانجا).

بنابر گزارشی از ۱۳۳۸ / ۱۹۲۰، زنگولداق یکی از سه بندر حیوضه زغال سنگ ارگلی^۵ بوده و طبق مشارکتنامه‌ای، این بندر به شرکت زغال سنگ ارگلی تعلق داشته است («آناطولی»^۶، ص ۶۰). در همین سال، زنگولداق با ادغام چند قضای همجوار، از جمله بارطین^۷، ارگلی و دورک^۸، به ایوا یا سنجاق تبدیل شد. در تقسیمات اداری پس از انحلال نظام سلطنتی عثمانی و اعلام نظام جمهوری در ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳، سنجاق زنگولداق به استان تبدیل گردید (گنج^۹، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ عبدالله جمال، ج ۶، ص ۵؛ ساری کویونجو، ۱۹۹۰، ص ۶). در واقع، زنگولداق نخستین استانی بود که پس از اعلام جمهوری در ترکیه تشکیل شد (د.د.ترک، ج ۴۴، ص ۵۰۳).

در نواحی شمالی استان زنگولداق، سه رشته کوه به موازات ساحل دریا امتداد یافته است که ارتفاع قله آن از حدود ۱۵۰۰ متر تا کمتر از ۱۰۰۰ متر متغیر است. قله قزل تپه^{۱۰} با ۱۴۹۸ متر بلندترین قله استان زنگولداق است. معادن زغال سنگ نیز در همین رشته کوهها وجود دارد. به سبب وجود این رشته کوهها، راههای ارتباطی شمال با جنوب این استان صعب العبور است. استان زنگولداق آب و هوایی معتدل و پرباران دارد و رودهای بزرگ و کوچک زیادی در این استان جریان دارند. رود فیلیوس^{۱۱}، با طول ۲۲۸ کیلومتر، طولانی ترین رود استان است (ملاحه ترک^{۱۲} و راسم ترک^{۱۳}، ص ۶؛ «استانداری زنگولداق جمهوری ترکیه»^{۱۴}، ۲۰۱۶؛ کوئارت، ص ۲۴). استان زنگولداق که از جانب شمال و غرب به دریای سیاه متصل است، ۳۰۳۰۹ کیلومتر مربع مساحت دارد. این استان از هشت شهرستان تشکیل شده که عبارتند از: مرکزی، آلپلی^{۱۵}، چای جمعه^{۱۶}، دورک، ارگلی، گوکچه بی^{۱۷}، کلیملی^{۱۸}، فوزلی^{۱۹}. این استان به سبب وجود معادن زغال سنگ، دو کارخانه فولاد و

- | | | | | | |
|----------------|-----------------------------|----------------|---------------|---------------|------------------|
| 1. Quatuert | 2. Kara | 3. Sarıkoyuncu | 4. Konrapa | 5. Ereğli | 6. Anatolia |
| 7. Bartın | 8. Devrek | 9. Genç | 10. Kızıltepe | 11. Filyos | 12. Melâhat Türk |
| 13. Rasım Türk | 14. T.C. Zonguldak Valiliği | 15. Alaplı | 16. Çaycuma | 17. Göçke bey | |
| 18. Kilitli | 19. Kozlu | | | | |

Mücadele' de Zonguldak ve havalisi", doktora tezi, Ankara Üniversitesi, Türk İnkılâp Tarihi Enstitüsü, 1990; Ertan Saygın, "Zonguldak 1288-1289 yıllarına ait Şerhiye sicil defteri, yer nu:42/2160", yüksek lisans tezi, Dokuz Eylül Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü 2002; Melâhat Türk and Rasım Türk, *Karaelmas ülkesi Zonguldak*, [Ankara] 1976; T.C. Zonguldak Valiliği, 2016. Retrieved Apr.6, 2016, from www.zonguldak.gov.tr; TDVA, s.vv. "Zonguldak" (by Hamdi Genç), "Zonguldak: Günümüzde Zonguldak" (by Metin Tuncel); Bilge Umar, *Türkiye'deki tarihsel adlar*, Ankara 1993.

/ حسن اسدی /

زنگوله، از پرده (مقام)های دوازده گانه در موسیقی قدیم حوزه ایرانی - عربی - ترکی؛ نیز نام گوشه‌ای موزون (ریتمیک) و سیار در برخی دستگاههای موسیقی ایران؛ و احتمالاً اصطلاحی به مفهوم لرزاندن صدا (تحریر)*.

اینکه از چه روی مقام یا گوشه زنگوله به این نام (به معنی زنگ کوچک) خوانده شده روشن نیست. در رسالات کهن، وجه تسمیه این مقام مطرح نشده است و در دوران معاصر نیز موسیقی دانان به شباهت حالت این گوشه با صدای زنگوله اشاره‌ای نکرده‌اند. این درحالی است که گوشه «زنگ شتر» به ظاهر شباهتی با صدای زنگ دارد (سه نعل^۵، ص ۵۱، ۶۸).

از قدیم‌ترین منابعی که در آن نام زنگوله به عنوان یک پرده یا مقام آمده دیوان انوری است (نیشابوری، مقدمه پورجوادی، ص ۵۷؛ نیز سه انوری، ج ۲، ص ۵۵۰). در کلیات شمس تبریزی اثر مولوی (ص ۱۳۹) نیز از «زنگله» به عنوان یک پرده نام برده شده است.

صفی‌الدین ارموی در کتاب *الادوار فی الموسیقی* (تألیف شده در اواسط قرن هفتم؛ ص ۳۲، ۴۳، ۶۶)، زنگوله را دایره چهل و دوم از ادوار هشتاد و چهارگانه و یکی از دوازده دور اصلی دانسته است که نغمه‌های آن به این ترتیب است: «ا»، «د»، «و»، «ح»، «ی»، «بجه»، «به»، «بیج» (با ابعاد «ط»، «جه»، «جه»، «جه»، «ط»، «جه»، «ط»). در *الرساله الشرفیه* (تألیف شده در ۶۶۶)، دیگر رساله موسیقی صفی‌الدین ارموی (ص ۱۵۱)، دور زنگوله یک نغمه (یز) بیشتر از نغمه‌های مذکور دارد. عبدالقادر مراغی نیز در *جامع الاحسان* (تألیف شده از ۸۰۸ تا ۸۱۸؛ ص ۱۳۷)

کارخانه‌های کوچک‌تر تابع آنها، محل توقف و کار مهاجران بسیاری است که بیشتر از نواحی واقع در سواحل شرقی دریای سیاه به آنجا می‌روند؛ مقصد نهایی آنها استانبول و اقامت در آن شهر است («ناحیه دریای سیاه شرقی»^۱، ص ۴۰، ۲۶۱). بندر زنگولداق در تجارت ترکیه با کشورهای ساحلی دریای سیاه، به ویژه تجارت زغال سنگ، اهمیت بسیاری دارد. در سالهای اخیر، صنعت جهانگردی نیز در این شهر رونق یافته است. اصلی ترین عامل جذب جهانگردان به آنجا فزونی فضاهای سبز و غارهای بسیار دیدنی آنجاست (د.د.ترک، همانجا).

در نخستین سرشماری در ترکیه در ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷، جمعیت شهر زنگولداق بیش از ده هزار تن اعلام شد. در سالهای بعد، جمعیت زنگولداق روندی رو به رشد یافت تا جایی که در ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۵ بالغ بر ۳۰۰۰۰ تن در این شهر سکونت داشتند. یکی از عوامل توسعه این شهر، ساخت خط آهن آنکارا - زنگولداق در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۹ ش / ۱۹۳۲ - ۱۹۴۰ بوده است. در ۱۳۹۳ ش / ۲۰۱۴، جمعیت استان زنگولداق ۵۹۸۱۷۹۶ تن بود که ۱۰۸۲۱۳ تن از آنان در شهر زنگولداق زندگی می‌کردند (د.د.ترک، همانجا؛ «استاندارداری زنگولداق جمهوری ترکیه»، ۲۰۱۶). محله اینجیوز^۲ امروزی ترین محله شهر است که دانشگاه بولنت اجویت^۳ (قره‌الماس)^۴ در آن واقع است (د.د.ترک، همانجا).

منابع: عبدالله جمال، *تورکیه تک صحنی اجتماعی جوغرافیاسی*، ج ۶، آنکارا ۱۳۳۸ / ۱۹۲۲.

Anatolia, [ed. G.W. Prothero], London: H. M. Stationery Office, 1920; *Doğu Karadeniz bölgesi: bölgesel gelişme, şehirleşme ve yerleşme düzeni*, Ankara: İmar ve İskân Bakanlığı, 1972; Hamdi Genç, "Cumhuriyet'in ilk yıllarında Zonguldak'ta nüfus, ticaret, ve sanayi (1920-1932)", *Zonguldak Karaelmas Üniversitesi Sosyal Bilimler dergisi* vol.6, no. 12 (2010); Murat Kara, "Osmanlı Devleti'nin son döneminde Ereğli kömür havzası (1829-1920)", *History studies*, vol.5, no.1 (Jan. 2013); M. Zekâî Konrapa, *Bolu tarihi*, Bolu, Turkey 1960; Donald Quataert, *Miners and the state in the Ottoman Empire: the Zonguldak coalfield. 1822-1920*, New York 2006; Ali Sarıkoyuncu, "Emperyalizm ve Zonguldak kömür havzası", *Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi dergisi* no. 4 (1993); idem, "Millî

1. *Doğu Karadeniz bölgesi*

2. İncivez

3. Bülent Ecevit Üniversitesi

4. Karaelmas Üniversitesi

5. Bruno Nettl